



تفسیر موضوعی قرآن کریم

مؤلفان:

غفار شاهی عیسیٰ علیان
محمد سعید خادمی ابوالفضل قهاری

اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

عنوان و نام پدیدآور: تفسیر موضوعی قرآن کریم / مولفان غفار شاهی ... [و دیگران].

مشخصات نشر: تهران: ساد، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ص: جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۴۶۱۰-۴۲-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: نویسندگان غفار شاهی، عیسی علیان، محمد سعید خادمی، ابوالفضل قهاری.

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: قرآن -- تحقیق

موضوع: قرآن -- بررسی و شناخت

شناسه افزوده: شاهی، غفار، ۱۳۴۸

رده بندی کنگره: ۷۵۳ ۱۳۸۹ ت / BP۹۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۹۷۹۵۱

نام کتاب: تفسیر موضوعی قرآن کریم

ناشر: انتشارات ساد

مدیر مسئول: دکتر مرتضی درجانی

مؤلفین: غفار شاهی، عیسی علیان، محمد سعید خادمی، ابوالفضل قهاری.

ویراستار: بوذر دیلمی معزی

طراح جلد: مسعود شکری، علی خلیلی اسبجینی

صفحه آرای: خدیجه منتظری

چاپ و لیتوگرافی: آبان

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

بهاء: ۵۰۰۰۰ ریال چاپ اول ۱۳۹۰

پیش گفتار	۱
مقدمه	۵
بخش اول: کلیات	۱۵
گفتار اول: قرآن، کلام خدا	۱۶
گفتار دوم: قرآن، کتاب هدایت	۲۲
گفتار سوم: مراتب انس با قرآن	۲۸
گفتار چهارم: راههای دستیابی به محتوای قرآن	۳۶
گفتار پنجم: روش های تفسیری	۴۵
بخش دوم: روش های فهم قرآن	۴۷
گفتار اول: محکم و متشابه	۴۸
گفتار دوم: تفسیر و تأویل	۵۹
گفتار سوم: ناسخ و منسوخ	۶۹
بخش سوم: تفسیر ترتیبی برخی سوره ها	۷۵
گفتار اول: آشنایی با تفسیر سوره حمد	۷۶
گفتار دوم: آشنایی با سوره توحید	۹۹
گفتار سوم: آشنایی با سوره قدر	۱۰۷
بخش چهارم: تفسیر موضوعی برخی واژه ها	۱۱۷
گفتار اول: قرآن و نماز	۱۱۸
گفتار دوم: قرآن و علم تجربی	۱۴۴
گفتار سوم: قرآن و بهداشت روان	۱۵۹
گفتار چهارم: قرآن و حجاب	۱۷۲
گفتار پنجم: قرآن و ازدواج	۱۹۵
گفتار ششم: قرآن و روابط خانوادگی	۲۱۵
گفتار هفتم: قرآن و روابط اجتماعی	۲۲۸
فهرست منابع و مآخذ	۲۴۵

به برکت اقدام سازنده شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیته برنامه ریزی دروس معارف اسلامی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در ایجاد تغییرات بایسته در سرفصل های دروس معارف اسلامی، درس تفسیر موضوعی قرآن کریم، در برنامه ریزی جدید جای گرفت و فرصتی فراهم شد تا دانش جویان با سرچشمه زلال معارف اسلامی، یعنی قرآن آشنایی بیشتری پیدا کنند. ضمن سپاس از این اقدام شایسته و برای نیل به همین مقصود، درسنامه حاضر براساس سرفصل های این درس تنظیم می شود و در اختیار دانش جویان قرار می گیرد، به این امید که مفید واقع گردد.

عنوان درس، تفسیر موضوعی قرآن کریم است که به صورت دو واحد درسی در دانشگاهها عرضه می شود. هرچند هنگامی که سخن از تفسیر قرآن به میان می آید به سرعت نظرها به همان تفسیر معمولی (ترتیبی) جلب می شود که آیات قرآن را به ترتیب، مورد بحث و بررسی قرار می دهد و محتوا و حقیقت آن را روشن می کند. همان کاری که از صدر اسلام تاکنون در تفسیر قرآن معمول بوده، و دانشمندان و علمای بزرگ اسلام هزاران کتاب در این زمینه تالیف کرده اند، اما تفسیر قرآن شیوه های دیگری نیز دارد که یکی از آنها «تفسیر موضوعی» است، یعنی آیات قرآن در

موضوعات مختلف: جهان بینی، بایدها و نبایدها، مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و اخلاقی، بررسی و تفسیر می شود. به عبارتی دیگر: «اگر آیات قرآن را، که در هر سوره از سوره ها نازل شده به ترتیب تفسیر کنیم نام آن تفسیر ترتیبی خواهد بود و اگر آیات مربوط به یک موضوع را از تمام قرآن جمع آوری نموده و در کنار هم بچینیم و آن را فصل بندی نموده و تفسیر کنیم نامش تفسیر موضوعی است.»^۱

تفسیر موضوعی می تواند از مسائل زیر پرده بردارد:

ا. ابعاد پراکنده یک موضوع را، که در آیات مختلف آمده، در کنار هم قرار می دهد و موضوعات را به صورت چند بعدی و جامع می نگرد و طبعاً با این شیوه حقایق تازه ای کشف می شود.

ب. ابهاماتی که ابتدا در بعضی از آیات قرآن به چشم می خورد با توجه به اصل اساسی «القرآن بفسر بعضه بعضاً» آیات قرآن یک دیگر را تفسیر می کنند» بر طرف می سازد.

ت. جهان بینی اسلام و به طور کلی نگرش آن را در هر مساله و موضوعی آشکار می سازد.

ث. بسیاری از اسرار نهفته قرآن را تنها با روش تفسیر موضوعی می توان آشکار ساخت و ...

نوع دیگری از تفسیر نیز کم و بیش رایج بوده، که ناظر به «تفسیر مفردات قرآن» است؛ یعنی از واژه های قرآنی بر اساس ریشه و واژه بحث می کند که نمونه روشن آن کتاب التحقيق فی کلمات القرآن الکریم و نثر طوبی یا دائرة المعارف قرآن مجید است.

نوع دیگری از تفسیر که موضوعات مختلف قرآن را در ارتباط با یک دیگر می سنجد «تفسیر ارتباطی یا زنجیره ای» است؛ مثلاً بعد از آن که سه موضوع «ایمان»، «تقوا» و «عمل صالح» جداگانه در تفسیر موضوعی بررسی شد، در این نوع تفسیر ارتباط این

سه با یک دیگر روشن می شود که این شیوه نیز حقایق تازه ای از چگونگی رابطه این موضوعات با یک دیگر را برای ما کشف می کند که بسیار ارزنده و راه گشااست .

نوعی دیگر از تفسیر، «تفسیر کلی» یا «جهان بینی قرآن» است . در این مورد مفسر تمام محتوای قرآن را در باره عالم هستی در نظر می گیرد ، و به تعبیر زنده تر، کتاب «تکوین» و «تدوین» را با یکدیگر پیوند می دهد و هر دو را در کنار هم می بیند در ارتباط با هم تفسیر می کند .

در مجموع می توان پنج گونه تفسیر برای قرآن تصور کرد:

۱. تفسیر مفردات قرآن؛
۲. تفسیر ترتیبی؛
۳. تفسیر موضوعی؛
۴. تفسیر ارتباطی یا زنجیره ای؛
۵. تفسیر کلی ، یا جهان بینی قرآن .

از این اقسام پنجگانه، تنها قسم اول و دوم در میان ما شناخته شده است ، و تا حد کمی قسم سوم ، یعنی تفسیر موضوعی قرآن که هنوز مراحل ابتدایی را طی می کند امید است با تلاش بیشتر عالمان اسلامی، به تدریج به تکامل بیش از پیش برسد. اما قسم چهارم و پنجم تفسیر قرآن مورد توجه مفسران واقع نشده است و بر عهده نسل حاضر و نسل های آینده است که به آن پردازند و حق آن را، تا آن جا که ممکن است، ادا کنند.^۱

قبل از ورود به مباحث این درس لازم است تا جایگاه تفسیر قرآن را، گرچه به اجمال، روشن سازیم. اهمیت و ضرورت درس تفسیر قرآن، را می توان باتوجه به موضوعات زیر تبیین کرد:

۱. نیاز بشر امروز به هدایت قرآن

از جمله ویژگی های جهان کنونی آسانی ارتباطات و پیدایی افکار گوناگون است. در چنین شرایطی هرچند زمینه برای ترقی فراهم است، به همان نسبت زمینه برای سقوط نیز بیشتر از گذشته مهیا شده است، زیرا محرک های پرجاذبه مادی که انسان را از هویت انسانی او غافل، و به سراب های فریبنده مادی و روزمرگی مشغول، و گرفتار دام های فتنه می سازد فراوان تر شده است. ناهنجاری های اخلاقی، چه در زمینه فردی و چه اجتماعی، مانند بدخلقی ها، سوء ظن ها، حسادت ها، خودپسندی ها، بدزبانی ها، افراط و تفریط ها، سودجویی ها، چشم هم چشمی ها، مصرف گرایی ها، خیانت ها، هوس بازی ها، مکتب سازی ها و غیره باعث شده انسان از افکار بلند و اهداف عالی انسانی و تلاش برای رسیدن به تکامل حقیقی باز بماند که پی آمد آن بن بست، سرخوردگی، اضطراب، تنهایی، آرزوهای بر باد رفته و ... است ..

چه باید کرد؟

پاسخ آن را باید در این کلام نورانی رسول خدا جست که فرمود:

«هنگامی که فتنه ها چون شب تار شما را فرا گرفت به قرآن روی آورید.»^۱

و در جای دیگر می فرماید: «اگر می خواهید روزی که افراد راه را گم کرده اند شما راه صحیح را برگزیده باشید، پس قرآن را فراگیرید.»^۲

البته در صورتی می توانیم از آن بهره جویم که به قرآن ایمان داشته و با آن مانوس باشیم، زیرا قرآن: «هدی للمتقین»؛ هدایت گر پروا پیشگان است.

۲. توجه به رسالت قرآن

اگر به رسالت قرآن توجه کنیم اهمیت و ضرورت انس با آن برای ما بیشتر روشن می شود. رسالت قرآن را با مراجعه به قرآن می توان فهمید:

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ * فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ^۳

و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می آفرینم! هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^۴

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین،

جانشینی (نماینده ای) قرار خواهم داد.»

هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ^۵ (قرآن) برای مؤمنان مایه هدایت و بشارت است

۱. إِذَا نَبِيتَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنِ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۸.

۲. ان اردتم... الهدی يوم الضلالة فادرسوا القرآن؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹.

۳. ص (۳۸) آیه ۷۲.

۴. ص (۲) آیه ۳۰.

از این آیات، و آیات دیگر^۱ استفاده می‌شود که:

رسالت قرآن رساندن انسان دوبعدی به مقام خلیفه الهی است. رسیدن به این مقام بدون تعلیم انبیای الهی که در قرآن تجلی یافته است امکان پذیر نیست، زیرا ابزارهای معرفتی انسان یعنی حس (علوم تجربی) و عقل برای رساندن او به کمال نارسا هستند:

نارسایی علم در این است که تنها با امور مادی و بعد مادی و حیوانی انسان سر و کار دارد و امور معنوی و روحانی شامل قلمرو آن نمی‌شود.

نارسایی عقل در آن است که تنها امور کلی را درک می‌کند و به جزئیات نمی‌پردازد؛ مثلاً عقل می‌تواند ضرورت پرستش معبود یا احترام به بزرگتر را درک کند، اما کیفیت عبادت یا مصادیق احترام را درک نمی‌کند. زیرا می‌بینیم انسان‌ها علی‌رغم داشتن عقل مشترک کیفیت پرستش و احترام گذاری آنان با یک دیگر متفاوت است. یا مفهوم عدالت را درک می‌کند، اما بین عقلاً در این که تساوی حقوق زن و مرد عین عدالت است یا نه؟ اختلاف است.

هم چنین عقل رابطه تکوینی بین گناه و کیفرش را درک نمی‌کند؛ مانند رابطه خوردن مال یتیم و خوردن آتش، قرآن در این باره می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ^۲

کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند (در حقیقت) تنها آتش می‌خورند و به زودی در آتش افکنده خواهند شد. یعنی ظاهر آن نان، اما باطنش آتش است.

یا عقل رابطه خوردن از شجره ممنوعه و هبوط بر روی زمین (خروج از بهشت)^۳ یا فرو ریختن لباس (سوءات) و رابطه بین عقیف بودن و علم تعبیر خواب را، چنان که برای یوسف و ابن سیرین رخ داد، در نمی‌یابد. از این رو خود عقل به پیامبر نیاز دارد.

۱. مانند، یس (۳۶) آیه های ۵-۲، انعام (۶) آیه ۱۲۲، نحل (۱۶) آیه ۸۹، نجم (۵۳) آیه های ۱۰-۸.

بنابراین انسان در درک امور جزئی، که مربوط به بعد روحانی او می شود، به تعالیم انبیا نیازمند است و تنها از طریق آن می تواند راه هدایت به مقام خلافت الهی را، که امری معنوی است؛ به دست آورد. هم چنان که در درک جزئیات مربوط به بعد جسمانی نیز به علم و در برخی موارد به وحی نیاز دارد. در نتیجه وحی و در رأس آن قرآن، نه تنها تعارضی با عقل و علم ندارد بلکه مکمل آنهاست و نیاز جدی انسان، به ویژه بشر امروز است.

تکته : بحران های انسانی معاصر معلول همین احساس بی نیازی بشر از هدایت های انبیا و قرآن بوده و راه حل آن هم در بازگشت به قرآن است.

۳. مهجوریت قرآن و رسالت ما

مهجور، یعنی جدا مانده، دور افتاده، متروک :

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ؛

پیامبر عرضه داشت : پروردگارا قوم من این قرآن را به کناری افکنده اند .^۱

واژه «اتخذوا» بیانگر این است که قوم پیامبر (ص)، قرآن را در اختیار گرفتند و آن را وانهادند اما به گونه ای در اختیار گرفتند که در اثر عدم درک صحیح و شناخت اصولی و استفاده شایسته، قرآن در میان آنان عملاً متروک مانده است. بنابراین معنای صحیح آیه این است که «قرآن را به مهجوریت گرفتند».

مهجور کردن و به مهجوریت گرفتن مانند تعبیری چون مسخره کردن و به مسخره گرفتن و یا بازی کردن و به بازی گرفتن است. در اولی (مهجور کردن) فاعل آشکارا «فعل» را انجام می دهد و در دومی فاعل آشکارا فعل را مرتکب نمی شود، بلکه آن را پنهانی انجام می دهد به گونه ای که در ابتدا نمی توان به واقعیت فعل وی پی برد. بنابر این مهجور کردن، یعنی روی گردانی از قرآن به صورت آشکار اما به مهجوریت گرفتن، یعنی پرداختن ظاهری به قرآن، اما در واقع قرآن ترک شده است. در اولی

شخص از ابتدا به خانهٔ قرآن قدم نمی‌گذارد در دومی فرد به میهمانی صاحب خانه ای فاضل و عالم می‌رود، ولی به جای توجه به میزبان و استفاده از محضر او، گرفتار نقش و نگار در و دیوار خانه می‌شود. در اولی بیمار اصلاً به سراغ طبیب نمی‌رود، اما در دومی شخص به طبیب مراجعه و نسخه را دریافت می‌کند، اما از داروها استفاده نمی‌کند.^۱

متأسفانه این شکایت پیامبر(ص) امروز نیز هم چنان ادامه دارد، زیرا گروه عظیمی از مسلمانان قرآن را به فراموشی سپرده‌اند و قرآن در میان آنها به صورت کتابی تشریفاتی درآمده است، زیرا تنها الفاظش با صدای زیبا از دستگاه‌های صوتی پخش می‌شود و در کاشی‌کاری‌های مسلحانه به عنوان هنر معماری به کار می‌رود و برای افتتاح خانهٔ نو، و حفظ مسافر، شفای بیماران و نیز در مجالس عقد و عزا برای ثواب استفاده می‌شود.

قرآنی را که پر از برنامه‌های زندگی‌ساز و رمز حیات و عامل حرکت، ترقی و پیروزی است رها ساخته و دست‌گذاری به سوی دیگران دراز کرده‌اند. آری، امروز هم پیامبر فریاد می‌زند:

«خدا یا! قوم من قرآن را مهجور ساختند.»

امام خمینی(ره) در این باره می‌گوید: «در قرآن همه چیز است، لکن مع الاسف، استفاده از آن نکرده ایم و مسلمین مهجورش کرده‌اند؛ یعنی استفاده‌ای که باید از آن بکنند، نکرده‌اند.»

علل مهجوریت قرآن

ا. کنار زدن مفسران حقیقی قرآن از صحنهٔ سیاسی و اجتماعی؛

ب. ناشناخته ماندن جایگاه قرآن در زندگی و خارج ساختن قرآن از دستور کار و

عینیت جامعه

ت. به کرسی نشاندن آرمان مقدس قرآن؛ یعنی تشکیل حکومت اسلامی در

جامعه؛

ث. پیروی از هوای نفس و شیطان^۱

ج. جاذبه های مادی و دنیوی^۲

ح. کمبود ترجمه و تفسیر های روان و همه فهم

امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی الهی خود، می نویسد: «پس از شهادت حضرت علی (ع) خود خواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت های ضد قرآنی، و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را، که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم (ص) دریافت کرده بودند و ندای «انّی تارک فیکم الثقلین» در گوششان بود با بهانه های مختلف و توطئه های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده... و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند.»

متأسفانه ما از این سرمایه عظیم غافلیم، اما در مقابل، دشمنان اسلام مراقب و بیدارند. نقل می کنند روزی «ناپلئون بناپارت» بعد از این که از جنگ فارغ شد گفت: این مسلمانان که مدعی هستند ما آیین اسلام داریم حرف حسابشان چیست؟ تصمیم گرفت پاسخ این سؤال را شخصاً پیدا کند.

با ترجمی به مصر که از دیر زمان از مراکز مهم جهان اسلام محسوب می شده است رفت و به داخل کتابخانه ای گام گذاشت و گفت: مهم ترین کتاب را بیاورید. قرآن را آوردند. اتفاقی باز کرد این آیه آمد: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰهِ هِيَ أَقْوَمُ...»^۳ این قرآن به راهی که استوارترین راه هاست هدایت می کند....

ناپلئون گفت: «اگر مسلمانان با این قرآن زندگی شان را تنظیم کنند هرگز دچار مشکلات و ذلت نمی شوند و اگر غربی ها بخواهند بر مسلمان ها چیره شوند تنها راهش

۱. ولا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله؛ ص (۳۸) آیه ۲۶ - فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم؛ بقره (۲) آیه

ایجاد جدایی بین قرآن و مسلمانان است و اگر از من پرسند که استراتژی حمله به مسلمانان چیست؟ می‌گویم: آن‌ها را از قرآن جدا کنید».

بی‌شک تلاوت قرآن (بدون تدبیر) چیزی نیست که دشمنان از آن بترسند بلکه آنان از تأثیر گذاری قرآن بر فکر و دل و رفتار مسلمانان هراس دارند چون قرآن می‌تواند ما را نجات دهد و از تاریکی‌ها به نور هدایت کند و چنین چیزی برای دشمنان اسلام سنگین است.

بی‌جهت نیست که «گلاستون»^۱ در پارلمان انگلیس گفته بود: «تا نام محمد بر مأذنه‌ها بلند است و تا کعبه برپا و قرآن راهنمای مسلمانان است، امکان ندارد پایه‌های سیاست ما در سرزمین‌های اسلامی استوار و برقرار گردد».^۲

راههای خارج ساختن قرآن از هنجاریت

ا. آوردن مفسران حقیقی قرآن به صحنه سیاسی و اجتماعی؛

ب. آوردن قرآن در متن زندگی مردم به عنوان قانون اساسی؛

ت. برپایی حکومت دینی؛

ث. دعوت مردم به انجام دادن فرمان‌های الهی و عمل به سنت پیامبر(ص)؛

بنابراین ما باید اول از خودمان شروع کنیم و از قرآن تأثیر بگیریم، تحول و دگرگونی در ما رخ بدهد تا بتوانیم منذر باشیم. در قرآن می‌خوانیم: یا ایها الذی خذ الکتاب بقوه^۳؛ یعنی کتاب آسمانی را جدی بگیر. آیا ما حقیقتاً آن را جدی گرفته‌ایم؟

امیر المؤمنین در وصایای خود به حسنین می‌فرماید:

الله الله فی القرآن لا یسبقنکم با العمل به غیرکم؛

«خدا را خدا را در مورد قرآن، که دیگران بر شما در عمل بدان پیشی نگیرند».^۴

۱. سیاستمدار سابق انگلیسی.

۲. به نقل از تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۳.

۳. ص ۱۲ (۱۹)، آ ۱۲.

ملاصدرا (ره) حکیم بزرگ، در مقدمه تفسیر سوره واقعه می گوید :

«بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آن جا که گمان کردم کسی هستم. ولی همین که کمی بصیرتم باز شد خودم را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر به فکر افتادم که به سراغ تدبیر در قرآن و روایات بروم. یقین کردم که کارم بی اساس بوده، زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم. از غصه جانم آتش گرفت، قلبم شعله کشید تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با «اسرار قرآن» آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبیر در قرآن کردم. در خانه وحی را کویدم در باز شد، پرده ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می گویند: (سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین).^۱ اکنون که دست به نوشتن «اسرار قرآن» زده ام اقرار می کنم که قرآن دریای عمیقی است که جز با لطف الهی امکان ورود به آن نیست، ولی چه کنم عمرم رفت، بدنم ناتوان، قلبم شکسته، سرمایه ام کم، ابزار کارم ناقص و روحم کوچک است.»^۲

هم چنین فیض کاشانی (ره) که داماد ملاصدرا و نویسنده دویست عنوان کتاب، در رساله انصاف خود می نویسد:

«مدت ها در مطالعه مجادلات متکلمان فرو رفتم، کوشش ها کردم ولی همه آن بحث ها از جهل من بود. مدت ها در راه فلسفه به تعلیم و تفهم پرداختم، بلند پروازی هایی را در گفتارشان دیدم، مدت ها دنبال گفت و گوی این و آن بودم، کتاب ها و رساله ها نوشتم و گاهی میان سخنان فلاسفه و متصوفه و متکلمین جمع بندی کردم و حرف ها را به هم پیوند دادم، ولی در هیچ یک از علوم، دواپی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم، بر خود ترسیدم و به سوی خداوند فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد.»^۳

و اما اقرار حضرت امام خمینی (ره): «این جانب از روی جدّنه از روی تعارف معمولی، می گویم، از عمر به باد رفته خودم تأسف می خورم و شما ای فرزندان برومند اسلام، حوزه ها و دانشگاه ها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن را در هر رشته ای محطّ نظر و مقصد اعلا قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف و پیری هجوم آورد تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده»^۱

بنابر این قرآن، علی رغم همه تلاش هایی که تاکنون شده، هنوز مهجور است و این سخن پیامبر (ص) همچنان طنین انداز است که، (... يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا).

این قسمت از بحث را، با کلامی نورانی از حضرت علی (ع) به پایان می بریم:

«هر کس در روز قیامت گرفتار و به خاطر عاقبت عملش ناراحت است، مگر این که در زندگی بذر قرآن را پاشیده باشد و اعمالش منطبق با قرآن بوده باشد»^۲

حکایتی عبرت آموز

نقل شده است شخصی در گورستان بر سر قبری بنشسته بود و قرآن می خواند، جهان گردی از آنجا می گذشت، از مترجم خود پرسید: این مرد چه می کند؟ گفت: قرآن می خواند. پرسید: قرآن چیست؟ جواب داد: قرآن کتاب مقدس مسلمانان و کتاب قانون و دستورات است. جهان گرد تعجب کرد و پرسید: کلماتی که او می خواند به چه معناست؟ مترجم گفت: او می خواند: (وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ...^۳ وای بر کم فروشان! کسانی که وقتی از مردم چیزی می خرند زیاد می گیرند و موقعی که به مردم متاعی می فروشند کمتر می دهند). جهان گرد پرسید: مگر در شهر شما مرده ها در زیر خاک خرید و فروش می کنند که می خوانید وای به حال شما اگر کم بفروشید؟!^۴

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۷.

۳. مطفف: (۸۳) آ ۱.

به قول مولوی :

زان که از قرآن بسی گمراه شدند زان رسن قومی درون چه شدند

مر رسن را نیست جرمی ای عنود چون تو را سودای سر بالا نبود

این سخن امیرالمؤمنین را همواره آویزه گوشمان قرار دهیم که فرمود: «بترسید از

خدا، بترسید از خدا درباره قرآن، مبدا دیگران در عمل به آن از شما پیشی بگیرند.»^۱

www.ketab.ir